بررسی نقشه راه حکومت امویان با تکیه بر دشمنشناسی علیوی

امک‌روشنگر

چکیده

حکومت اسلامی از روزگار تأسیس جامعه صدایی حضرت خاتم مرتبت تاکنون، قرار و نشیب سیاسی داشته و بسا در محل مانده است. بیدیپی است. آنجه امروزه در حکومت کشورهای اسلامی معمول گردیده، و امکان مساله اسکی تا حال حین حکومت اسلامی بودن و نقشه راه حکومتشان را برچالی نهایت مطلوعه نقشه راه حکومت اسلامی از روزگار چندین مضمونه‌ها رسمتا در اختیار امپراتوری قاره فرفت، ودنک‌ها سیاست حکومتی را مبادری می‌سازد که انتخابات آن، به مدتی کوتاه در میزان تمدن پیش‌واج مضمونه قاره فرفت و سبی برهنکی که امروزه تلفنی سیاستی خوانده می‌شود، به سرسله حاکمان امروز رسید. یک معاونی با آنچه برگزی سیاستی خوانده می‌شود، ضمن پیش‌مانندی از تبور قلم‌ریز سوم، به جنگی چنین رودی که تا رصد ظرفیت تشکه راهی که فتنه‌ها آن را در برابر اصل قرار داد، ایندی حکومت اسلامی را از آن تدبیر خود کند این مقاله درصد تحلیل دشمنشناسی مولای متقابل است تا دستیابی بررسی نقشه راه حکومت امویان فرآهن آمد. روشن کار توصیفی تحلیل بوده و ممکنن تبیه زمینه‌های حاضر بی‌سید به دنبال نقشه راه اسلامی است که می‌توان آن با عنوان اسلام امروی یاد کرد.

واژگان کلیدی

حکومت اسلامی، نقشه راه، اسلام امروی، دشمنشناسی

saneh210@yahoo.com

* تاریخ پذیرش: 5/10/2014
* تاریخ دریافت: 5/12/2014
طرح مستند

زنده چهارده انسان کامل که از ظهور اسلام تا غبت کرده هر یک در طول ٣ قرن، ریشه دارد، مستندی از تاریخ اسلام‌پژوهشی از جمله تاریخ‌نگاران موجود در کتاب مقدس، امروزه عموم خردمندان با داستان و نشان سیر فرهنگ خاندان رسل، در طول زمان آنان شدند و توانایی آن را داشتند تا موضوع خود و جامعه خویش را نسبت به اهداف معنی‌انگیز آن برآورد کنند.

اما چگونه چنین فرصتی دست نداده ایست؟ اگر همچنین یک ترکیبی به گاهی آن در جامعه اشکال شود، حرکت و تغییراتی در جنبه‌های گامی افتاده شود تا تغییراتی. هر چند همچنان مبنای مورد نظر تاریخ‌نگاران و نشان‌دهندگان و نیز احتمال مقاومت مبتنی دومی همراه با راهبرد آن، به فرآیند کور تبدیل شد و جامعه اسلامی را در راه‌هایی که مولف می‌دانست گذشته شد، «لا رن خرگ»

الف) کهنا نهاده بوده یا افتاده بوده و به‌طور عصبیت عصبیت آن را به سوی سبک داد.

از این رو، افراد تاریخ‌نگاروید می‌توانند با فرآیند و نهاد مبتنی، به «فرآیند مطلق» تبدیل شدند.

این مقاله درصد بررسی تاریخ معاونه است تا خطوط اصلی نقشه راه وی را که در اختیار فرآیندان پس از او قرار گرفت، تدوین میدهد. در همین راستا می‌توان از کتاب دکتر جعفر المهاجر با عنوان تاریخ اسلامی نویسندگی و پژوهشی آن به عنوان یکی از مهم‌ترین روشنایان و روند عمومی اسلامی، از مجموعه یادگاری، به عنوان پیشینه کتاب نام برده، روش کار تحققی در تحلیل و پرسه اصلی به‌طور کامل انسانیت روزهای در روز دوم سکه سیاست‌های کلان امپراتوری روابطی با پیشوا معصوم است.

١. تهیه/مقدمه، خلیفه ٩٢.
٢. یتی‌نگر، گلشیری، معرفی ج، ٢، ص ٢٣٧.
٣. المهاجر، تاریخ‌نگار اسلامی نویسنده، تاریخ اسلامی، ج، ٣١.
٤. این خلیفه، ایب، ج، ١، ص ٢٠٥.
مقدمات نقش راه امویان

1. انتماس حکومتی
معاوية بن ابوبکر دریبی تخت شاه، ارزوی خلیفه دوم، فرمان‌دار شام شد. او دمشق را مرکز ولایت خود قرار داد و در طول سال‌ها با بهره‌مندی از عیان‌دادن ناجی‌های حاصل‌خیز خود و شدید، برنا شد. بدل‌نمود فرمان‌واژه مطلق خود را پی گرفت. حتی عملیات‌های ایامی، را در زمان حکومت امیر‌المؤمنین با هدف اجبار اربع در نواحی مرزی و شهرهای اطراف «حکومت علیوی» تدارک دید و نیروی نظامی وی با تعزیز به حرم جامعه اسلامی مقدمات سطح‌ها را فراهم آورد. چنان که مولایی منتقد فرمود: «هذا اخیر عامد و هر دید حلب و دلت اعیان بین الکری و آزال خیلهم من ساخرا ...»

2. نقش شرکویت
یکی از موافقت‌های برناه در زمان معاویه به‌دست آوردن «مشروعت اجتماعی» را انتماس حکومتی بود که وی آن را در وزاره خلیفه دوم (۱۸ یکی / ۸۶۳ میلادی) کسب کرد. اما برناه می‌تواند در ساخت حکومت علیوی جایی نداشت. ازایرو، مولایی منتقد حکم عزله را با اشاره ضمیمی به رویدادهای بیشین، رونه دمشق نمود و را چهار مجموعه دربار دمشق، به مرکز حکومت فراوان، تا آنان

1. نهج‌البلغه، خاطر، ص ۲۷.
2. الهام، «التأسیس لنارخ الشیعی فی لیبیا و سوریا»، ص ۸۴.
3. نهج‌البلغه، خاطر، ص ۳.
حساب پس گیرد. چنان که فرود: «افق آتی در فدل سن اسبابیک» باید خاطرنشان ساخت که معاویه فرمانداری بود که هرکی از انسوی خلیفه دوم مردی بارور خلاص وزارت عفریت و غیره. می‌توسد که حکم مولای متیان بر یو گران ایز، یازا ژنی خلیفه برخالک سایر فرمانداران با یک رفتار می‌کرد و حتی هرگاه با خشداری در امیرنشین شام منصور می‌شد، نه در برابر حکومت مرکزی، بلکه در برابر معاویه پاسخ‌گو بود معاویه در روزگار خلیفه سوم نیز اختیارات حکومتی را افزون بر شامات، در انجام خوش داشت و مستندات انتصاب کارگزار مالیات حکومت مرکزی و افراد پست قضاوت به‌سهه او بود. به‌همین سبب در یارب امیرمیراند و مرکز. «حکومت علی» سر تسهیل فرود تریور در یارب خود مثالی‌ی عاملی و مشروط نام اخیر نمود و درصد برا و بزای تحورک ترده مردم، دست به ماجرایی زند.

3. بهبودیاری از ترور

معاویه ماجرا تور خلیفه سوم را نخستین مقصود خود قرار داد، تا اینکه به خالص چهاره برد. از همین مولای متیان خصمان به یو فرود: «درباره قائلان عثمان پر گفتی، پس در آن‌جه مردم وارد شدند داخل، سپس همه را آتار پیش در خواست حکم نما تو ایشان را به کتاب خنای تعالی احالت دهم و حکم نمایم. اما حالی که تو می‌طلب، فریفتن شیرخوار یاری گرفتند از شیر است.»

2. اقدام به سکو نرم

به اشتباه افکنند» مردم دومن ناگفته معاویه در یارب سپاشت بود. او درصد برا بی‌بی قمین مردم را نسبت به امیرمیراند مخدوش نموده و آن را کاملاً سلب نماید. با تلیش وافش نتیجه خشگری و کسانی که به او اقتفا کرده بودند، برای در مهلته‌ها شمشیر می‌زند. چنان که مولای متیان فرود: «گروه سیاسی از مردم را تابه ساختی، ایشان را با سرکشی خود فریفته و در امواج دریای سرکشی خوادانان، ناریکی مراهی ایشان را درگرفته و ثابت کردند. این را به فرز و فرود آورده؛ تا چاپی که روزگرد خود منحرف شده و رویکردانه و به پشت بای کسته و درنگی به شرافت خالیان خود تکیه کردن.»

1. همان، نامه ۲۵.
2. آلجراح، تأثیر تاریخ الشیعه لو لیان بر سویره، ص. ۵۷.
3. نهج الیاف، نامه ۴۴، ترجیح و شرح فیص الآسلام.
4. همان، نامه ۲۲.
روانکاوی معاوضه

1. نظریه سیاسی

به نظر می‌رسد فرماتراپی مطلق بخشی از هر چیز، در گروه‌های روانی خاصی است که معاوضه آن را فراهم آورده و در نظر گرفته‌ای به‌شمار می‌رفت. چنانکه مولانا متقیان، در تحلیلی که به‌صورت مکر و نیروگرایی، در کارآوردی که می‌اندیشید، عملیات قربانی و نیروگرایی، که زیرکی سیاسی خوانیده می‌شد، پیش‌تر، نیروگرایی وی در مسئولیت‌هایی از طرف سوگند، آن را نیک کرد و معرفی می‌کرد: به‌دخو سوگند، که معاوضه از طریق زیرکی نیست، بلکه نیروگرایی در کار آورد و معتقدم می‌نماید: اگر نیروگرایی پسندیده بود، در زیرکی‌های مدرم در تلقی شما بودم، اما نیروگرایی از دست خواهد آمد. است و ارتباط به معاینی تاریخی از پورودگار است ...

2. معاوضه دخان‌سواری

فرمایش دنیازدایی از طریق خودگرایی و به‌گذاری در وادی شبه‌های از فضای روشین، حقیقت فاصله گرفت. درنتیجه نامه‌های غیرمنطقی به ابیرپروری‌های نوشته. چنانکه مولانا متقیان، فرمود: یک از شبه‌های و فراکس به این پرده که به رسمی نماید از باندری یا به طریق این شبه‌های به درهم است و مضمون آن به منطقی با یکدیگر ندارد ...

شاید وجود «ایضا» گاه باعث نگاه‌یابی انسان سوی یافتن حقیقت شود. اما با حقیقت‌نداشتن شبهه‌ها با میل و نسبت از دیدگاه شبهه و به‌همین‌روت و خواشتن چنین نیست. پس از سبب که میل و خواهش نماید را از زیرفکان‌شی و سپریک می‌باید و مانع دریافت حقیقت می‌شود. چنانکه مولانا متقیان خطاب به معاوضه فرمود: بنده از تو به من رسید، نامه فریک، که بصریتی ندارد، تا هدایتش کند، راهبردی که راه‌نماش باشد. هوازی نگاه، را به خود خواند و وی اجایش نمود و ضلالانه، را به بیراهه کشاند و آور از آن پیروی کرد.

به این سبب مولانا متقیان شایستگی سیاسی معاوضه را به طراحی بررسی انسانی فرمود: «ای معاوضه! شما گی لیاقت حکمرانی رعایت و زمامداری مسلمانان را داشته‌ای؟ بدون سابقه خبر و نیکویی»

1. همایش، خلیفه. 31
2. همایش، کلام. 191
3. همایش، نامه. 56
4. همایش، نامه. 2
که به کار آید و ارجنگی و شرافتی که مربوط برتری را از آن شما نماید، البته از سه‌بندی شفاوت‌پیشگی صرف نظر کرده و به خدا پناه می‌پریم.

3. امریمین صفتی

هویادست که هرگاه عقل آدمی و ازبایی وی از تأثیر امیال نفسانی رها شود، قضاوت در دایره خودوری قرار می‌گیرد. چنان که موارد متبنیان ضمن ترتیب خودش آزمایش قتل خلیفه سوم، چرد بدن شانه معاونی را بر حکم فرا خواند و فرمود: «ای معاون! سوگند می‌خورم که اگر بدن هوای نفس با عقل خود ببرگی، مرا می‌آمیزین اشخاص در ریختن خون عثمان بینی...» آم و وجود خرد ناب در معاونه دور از انتظار بود. زیرا اگر چنان در دام الیام خود گرفتار آمد، بود که هیچ سند و مدرکی در قضاوت به کارش نمی‌آمد. بنظر می‌رسد دلیل شگفتی موارد متبنیان نیز ازاین روتیست. چنان که فرمود: «شگفتگی از هواپیستی و ذوق بودنت و سرگشتهگی ای که همراه با تاب ساختن حق در تو قرین گشت‌ها و باغ شهادت و مدارکی را که مطلب حضرت حق (جلّ و اعلی) و جختی بر خلایق است، داده‌انگاری...»

تردیدی نیست که قطع قبلاً خرد ناب، آدمی را بسان اپلیس، اسم مطلب خداوند می‌نماید. یعنی دریب قطع ارتباط با حقایق و اصرار بر اثبات فرد، مانند «جرجی» در برادر وسطه فیض، قدم علم می‌کند و با اظهار خبر، جماعتی را به گرامی می‌افکند. چنان که موارد متبنیان با اظهار شگفتی از اظهار فصل معاونی، در معلومیات از تردید نموده و فرمود: «گمان کرده که بیشتری مردم فلانی و فلانتی هستند، مطلبی را ذکر کرده که اگر درست باشد، به‌هارای آزان تو نمی‌گردد و اگر نادرست باند، این یک عونی به تو نرسد. اما تا برتر و کتیر و دیرست و زیرست چکار؟ گروه طلقا و فرزندان اپویسفان را با تشخیص اولویت مهاران و تعلیم مرتب و شناساند طبقه‌شنان چکار؟ ای بشر! ایا بر لنج خود توقف نمی‌کنی و کوتاهی دست دها نمی‌پینی؟»

درواقع معاونی به اعمال شیطانی، تنرخیم در وداد خالانه بیش رفت و سرنوشت شوم اپلیسی را یافت که صورت انسان گرفته‌باشد. از همین‌و موارد متبنیان با تأکید خبر، خطاب به او فرمود: «تو زیاده‌خواه و اهل ناز و نماین، اپلیس در تو جای گرفته و به خواست خودسیده و مانید خون در رگ

1. همان، تابه 16.
2. همان، تابه 17.
3. همان، تابه 18.
4. همان، تابه 37.
5. ایرج جوزی، اپلیس، ص 16.
بررسی نقشه راه حکومت امیوان باتکی بر دشمن شناسی علی موءی \[\text{115}\]

و چنان در بدن، در تو جاری است ... ۱ برپا و افتخارات ایست که در مورد از چنین شیری، ضرورت زندگی به‌همه‌ای جامعه است و مولایی منتقلان حتی فرمان مانند «زیاد» را از او برحورند و فرمود: از او برحور یا که او همین املس است، پیرامون آدمی می‌گردند آن از غفلت یا به‌رهب دیده و به قرب، غفلت را برای ...\] \[\text{۱۱۵}\]

معاویه دستم و گردید به زاویه حکومت اسلامی را رصد می‌نمود و غفلت از او سرانجام بدیهی را برای جامعه اسلامی رفم می‌رود. از این و موادی منتقلان در واریز روابط وی، اساس کار را به‌ریشه با سامان‌های داده و استرایب داده و ارزیابی منطقی فرمود: «من این کار را به‌همه وارسی کردم و لازم‌ترین نیافتم، جز آنکه بچگم با به آنچه رسول الله سره، کفر ورمزم ...\] \[\text{۱۱۵}\]

ظرفیت‌های نقشه راه امیوان

۱. دشمن راشانی

شوهه و ایمان که درآمده بی‌ضرر و فقفاً زیرفانتیش است، «خوارج» را فرآهم آورد که از «مولای منتقلان» نبردند و نسب بین‌پیمان شند و دچار مکافات گردیدند. چنان که مولای منتقلان، فرمودند: «فسح‌هم خررجهم مین‌دای از امر و تکاهم به‌سرپرستی از باز قرار را به‌شیر».\] \[\text{۱۱۵}\]

البته وجود طبقه اجتماعی، برای به‌درک دادن می‌زنند و کار حکومت را دوبار می‌کنند. زیرا افراد یا بصیرت، فاده پدید تشخیص میان درستی و تادرستی بوده و میان افراد یا گاه و مدت و مجرم فرقی قائل نمی‌شوند. آنان فراغت‌های زندگی آن یک‌جا را به‌یک چوب می‌رانند و چنین که مولای منتقلان خطاب به آنان فرمود: «اگر مخالفت آن‌ها برای این است که گمان می‌کنید.\] \[\text{۱۱۵}\]

من خلا کرده و در مسئله حکمت‌گرماشده، پس خواهم امتد رسول الله را که در مراها می‌چمید و آنان را به خطا، و به‌گاهی به‌گونهی که به‌کنفردی که می‌شیفت‌هاتان بر گردتنان فرو رود آیدا که آن را بر خوب و به‌فرود می‌آورد بی‌گاه و بی‌گناه رفع فرقی نمی‌نهید».\] \[\text{۱۱۵}\]

خاطرنشان می‌شود که سایه منفعت حکومت امیوان، تنه‌ها در محدود شام مانند افتخارات نگستند؛ بلکه آن در منطق‌های حکومت علیه این رخته داشت و با آن‌ها توقف نورد به‌هروان کردند. زیرا با آنکه خوارجی‌های هرودیان حکومت علیه بی‌شمار می‌رفتند، اما ولادت به‌شگون وسیعی آنان در «سفین»\] \[\text{۱۱۵}\]

۱. نهج‌البلاغه، کلام: ۱۰۰
۲. همان، کلام: ۱۰۴
۳. همان، کلام: ۱۰۴
۴. نهج‌البلاغه، کلام: ۱۸۱
۵. همان، ترجیه فیض‌الاسلام، کلام: ۱۱۲.

۱۱۵
کت و بار "شیوه" را در میان توده مردم توزیع نمایند. هرچند "حکم‌یت" به فرمایش امیر می‌ماند.

تنتها یک احیا و یک امانه بود و حضورش آن را یافته تفسیر فرمود: "جز این نیست که دو حکم

معین شدند تا آنچه رازان زنده گرد، زندگی کند و آنچه قرار آمدن بره‌ناید، احیا قرار یافت

گردا می‌شد از نیست. که این طریق‌ها هنگامی که از قرآن بهاری ضر قراری" آن‌گونه

حکمری به دنیش حکم‌یت نیز تبرکی در کار نیست. ولی با حکم به فرد گماه ماده‌های بروکس

صد به‌این ترتیب گمایی فراهم آمدند که به تهمت گرفتن جان قرآن کریم و نقل یکی، نه‌تنها از

همراهی با امیر می‌ماند، و نقل کیبر براماندیا بکه در داخل حکومت امیر مؤمنان، به‌طرف

خصوصی با حکمری تبادل شدند و اینگونه معاونیه به نمر نشست و جامعه علی، پس از آیمان، شکنی

اصحاب جمل، دوباره از درون، آبیه دید و در حضور یکی می‌گردد.

3. صلحطلبی

یک، به‌رحم‌دیاری از شرایط دوران انتقال

پس از شهادت حضرت امیر، امام محتی‌الله، به عنوان فرزند ارشد و صاحب امیر مؤمنان، باصداد روز

جمعه بیست و چهارم ماه رمضان سال 420 ق در جمع مردم عزازند، خاطرات خانواده تاریخی، او با

"آن عباس" برا خاست و مردم را به بیعت با آن حضرت فراخواند. در این که خیر به معاونیه رسید، او با

استفاده از شرایط دوران انتقال علی امام به ویژه و در این حضرت امیر، جاسوسی به کوفه و به ویژه، نا

اجبار فراهم آورد و به مرکز قدرت رساند. اگرده در پاسخ به دعوت امام محتی‌الله به تسلیم و

فرمایندگانی، از سیاست خود دوم و گردش فرازی نمود، او سپس لشکری به عراق گسپ داد.

1. شهروندی، مجله علمی، ص 150، فروردین 1375.
2. امام خمینی، وصیت‌نامه، ص 1.
3. بهائیان، کال 3، 1375 ترجمه و شرح فیض‌الاسلام.
با اظهار محبوبیت و توجه دیده‌نشده راه حکومت امروزی با انگیزه‌های آموزشی و اسلامی که در دوره‌های مختلفی مطرح شده است، اما با توجه به اینکه روزانه از حکومت در راستای ایرادداشت خود، هم از همکاری و هم از همکاری در بخشی از حقوق و رفع موانع در سطح داخلی و خارجی، نیازمندی به خلاقیت و خلاقیت در حوزه‌های مختلفی است.

در این مبحث، مطالبی از نظریه اهل سنت و دین اسلام مطرح می‌شود. این مطلب در صورت وجود یک راه حل مناسب می‌تواند در زمینه توسعه و دستیابی به مطالعات و اثرات مختلفی در زمینه‌های مختلفی باشد و نیز به رفع موانع در حوزه‌های مختلفی منجر شود.

١. مصافحه، انقلاب، ج. ٣، ص. ٥٦.
٢. رساله مهاجران، زندگانی امام مجنون، ص. ٢١٤.
٣. تاریخ اول ماه تاریخ، ج. ٣، ص. ١٥١.
٤. ماهنامه، دی‌شهر به‌شماره ششم، ج. ٣، ص. ٣٢١.
٥. همان، مجله بحث‌الانسان، ج. ٣، ص. ٢٨١.
آیین‌نکردن نقشه‌رای امویان

معاونه زمینه قبضه تموین قدیم را تازه حکومت فراموش نکنید. اما در اعیان نهادن ورق سفید صلح‌نامه مراتب کتابی را به امام مجتبی و اگذار نمود. بند دوم صلح‌نامه به روابط روابط سال ۴۱ قا نبود که معاونه حق ناشت کسی را به جانشینی خود انتخاب کند.

باید حالتی منظم تدارک ایندیه حکومت اموی، درصد انتصاب پسر به ولایته به‌رام. این مدن شما را در جعیز از فرآیند جعل خوش به بیعت را ولایته به‌زید فراخواند و اقدامی با استقبال شایلی مواجه شد. سپس از مروان نیز حکم که کارگزار حکومت اموی در جعیز نبود در خواست کرد تا برای پسر بیعت ستاند. اما مروان خود را بر زید مقدم میدانست. باید حالت در مقام مشورت به ولی مدنیه ضیوهای کرد بر پسر زیبی و سیدالشداهان‌ها سخت گیرد و اگر بیعت را نپذیرفتند سر از تنشکا جدی کند. این درصد بود تا به یک نیز و هدف را بر دست اورد. نخستان به کننده رقیب برخی حکومت زید را پشت سر بهد و دیگر آنکه مردم را از شیب کار شبنی دستگاه برخورد و به می‌آیند قدرت را برای خوشی می‌پذیرد. آن‌ها معاونه پیشتی با حضور در جمع مردم حجاز و گم‌بندن قوای قهره بر جهان تا بزرگان شهر، از اوج اینشان اعلان بیعت نموده و مردم را به تبعیت فراخواند بود.

۱. حاکمیت تجاهر به فسق

با رؤی‌کار آمدن یزید بن معاونه نشان‌های تجاهر به فسق در جامعه اسلامی هموار شد. درباران و

۱. ابن کیبیس ابادی‌نامه‌ها، ج ۴ ص ۱۶۴ و ۱۶۵.
۲. رسولی محققی، زندگینامه امام مسیحی، ص ۳۱۸.
۳. امیرکبیر ابادی‌نامه، حسین بن علی ص ۱۲۸.
۴. همان، ص ۱۴.
کارگزاران بی‌زید، از زیر با نهادن شرع مقدس ایبایی ناشناخته، رقص و آواز در «آمقره» و «مدننیه» رواج یافته بود و افزوده‌ای در دفعه‌ی ششی، شرایت می‌تواند. بی‌زید خود جلوتر مجالس لبه و لعب بود و در محلل خود نشانه‌ی درباران، بلکه پوزیته و جلوه‌ی دیگر را به حضور می‌طیبد. ۱

از همین حضور سید الشهیده اخی در پاسخ به پرسش عبادانه‌ی بن بیژر درباره‌ی بی‌زید فرود: «جهت بی‌زید نخواهیم کرد. این رو که کار برای کمال‌نامه‌ی پس از برادرم از آن می‌بوده و معاویه نمی‌بایست خلافت را به کسی از فرزندانش می‌فرست؛ بلکه می‌پایست آن را به می‌بیند. به‌شرط حیات، باره‌ی گراند. اما او به میل خود رفتار نمود و از دنیا رفت، درحالی‌که به عهد خود نسبتی به من و برادرم عمل نکرد. اکنون مطلبی پیش آمده که قرار ما بی‌زید. ای ابائکا! ایا کمکی می‌بری من با بی‌زید بیعت می‌کنی؟ درحالی که بر صدر فاسق و متاجه به فاسق است. شراب می‌نوشند و جلوه‌ی سگم و گردن‌مان مشاه است. اما ما پاژندگان خاندان رسول‌الله هستیم. نه! اگر سوت تا اینگونه‌های شد!»

خاطره‌نامهی می‌سازد که «فسق» عملکرد کمال‌نامه بی‌زید و «فسق» در زبان عربی بر افراد گناهکار و هره اطلاع می‌شود. این واقع در زبان فارسی اغلب همراه کلمه فچور می‌آید که به معناي برانگیختن گذارن و تب کاری روی گردیدن از حق، کردار رشت به کار می‌رود. ۲‌یاید دانست که فچور از فجی، به معنایی شکاف برداشتن است و به مفهوم پرده‌ی بر کار می‌رود. درواقع فچور عملکردی است که بی‌زید عصبی می‌رود و مانع بزرگ راه وصول آنان‌ها به عصبیت اکسپلسی است. بالاد فسق و فچور پیروی رفن از خص مستقیم شریعت الیه و خارج شدن از سیستم مکمل عیدوبید حاکم است.

وحدات می‌تواند سید سامی، موضع خود را دقیقاً پرایه حفظ شریعت محمدى و براساس تعهد در برای تکلیف انسان کامل بر هدایت علوم مردم در مسیر عیدوبید حضورت حق (جل) و عر (ع) اعلام فرود. ابتدای اتمام رسانیدن آن تکلیف، با سلطنت‌ی زیادی قابل جمع نبود و آن باپید به استحبار مردم رسید. بن حضرت مبانی مکتی را بی گرفت و موضع خود را در یکی از متن‌گاه‌های مسیر خویش برای جمعت توضیح داد و فرود: «ای مردم؛ رسول‌الله فرود مبارکه نقل‌گری از مسیر مردم، وکیم اخلاقیه و هرکسی سلطان است. اگر به خرج بشیرت الیه را عامل شرود، بعث تعلیم‌یا زیبایی به نهاد، با سنت رسول‌الله»

‌۱. مسعودی، مرجع النعمه، ج ۳، ص۳۷۷؛ برودنیان، تاریخ الشعرب الاسلامیه، ص ۱۳۹.
۲. خوارزمی، تاریخ الحسنی، ج ۱، ص ۱۸۲.
۳. دهخدا، لت، نامه، ج ۲، ماده «فچور».
اختلاف نماید. منابعی بندگان خدا به روش گام‌الود و دسته‌ی رفتار کند، پس با رفتار یا سختی عملکرد
آن سلطان را تلقی نکن. نزادری است که خدا او را به منزلگاه همان سلطان وارد نماید. نداهنده به اطاعت شیبان جماعت را ارکند. فساد یا اشکال
ساخته و حدود نهایی را زیرا نهانداند؛ مالیات اسلامی را به خود اختصاص دادند و حرام شریعت ایفا
جای نمودند و جلالت شریعت خداوند را تحریم کردند. نداهنده که از نزادری‌های مردم به تخفی
عملکرد آنان هستم ... ۱

بعنی می‌رسد حضرت سید الشهدائ در اعلام این موضع، قدی ایجاد دعهدگهای عمومی داشته
است. ایشان با این سخنرانی عمومی ازون بر آگاه نومند جمعات، از وعده فساد و تباهی در رأس
حاکمیت، به نسیر ابادی‌گی در مبان دولت‌مدهان اشاره نموده است. حضور نموده با کاربرد ضریب
جمع، تباهی و فساد ابادی‌گی را فعال مجموع دستگاه حاکمیت دانسته و با موجب شدن همکاری
نمونه، از بیانگر نزادری‌های نزادری‌گی در موضع حاکمیت بیم دهد. زیرا این رفتارهای سیاست
حاکمیت بسیار آگاه و به بنده جامعه سراجی می‌نمود و در مبان عموم مردم روح سیاست، انتخاب
«زیده» از این موضع گیری غافل نبود. از همین رو کسانی را که متبرکان از این به شمار می‌رفتند،
در نخستین اقدام هفته گرفت ۱. این مطلب، دیگر مورد اشاره یا مورد به تاکید نمی‌آید.

۱. فرامنداری نابایی

باید دانست که انتصاب «زیده» در رأس حاکمیت، حکومت‌های محلی همسایه را می‌طلبد. تا
جامعه ای که راجع به نسیر ابادی‌گی این مبان دولت‌مدهان ایجاد کرده، این امر را انتصاب
به شکل جمهوری، به شکل جمهوری حکومت ملکی را به همکاری درک کرد. ۲. وی
هویت مشخصی نداشت و در می‌آید «زیده» به شکل جمعیت، به شکل جمعیت یا نمونه
هوا، زیرا فرد خود خوانده بود. پسی مفاد معاونی با ادعای ابراز رفتار، برای این تا یا به
خاندان اموی ملحق نماید.

۱. معاونی، تاریخ اسلام، ج ۴، ص ۲۳۷، جامع اسلامی، مطهر الیاس، ج ۱، ص ۴۲۷، دیویش، تاریخ نزادری، ج ۴، ص ۱۵۱.
۲. معاونی، تاریخ اسلام، ج ۴، ص ۲۳۷، جامع اسلامی، مطهر الیاس، ج ۱، ص ۴۲۷، دیویش، تاریخ نزادری، ج ۴، ص ۱۵۱.
۳. معاونی، تاریخ اسلام، ج ۴، ص ۲۳۷، جامع اسلامی، مطهر الیاس، ج ۱، ص ۴۲۷، دیویش، تاریخ نزادری، ج ۴، ص ۱۵۱.
۴. معاونی، تاریخ اسلام، ج ۴، ص ۲۳۷، جامع اسلامی، مطهر الیاس، ج ۱، ص ۴۲۷، دیویش، تاریخ نزادری، ج ۴، ص ۱۵۱.
بنظر می‌رسد مهم‌ترین ویژگی آن پاسخ نادیده گرفتی و نجات‌یابی بود. چنین که در گسل دسته‌ای از اردوگاه‌های تاریک‌شده‌ها به فرات "هلایل بن نقاب الجملی" خود را به نگهداری آن معرفی کرد. و فکت: "من از باران حسین. آدمی از آبی که از ما بارادشتید، پوشش، "عمرو" به یا پاسخ داد: من برای خود گرفت، او تنها یک ضعفی که گویی از آبی پوششم در حالی که حسین و همراهانش سخت تشنه‌اند". اما پاسخ داد: راست می‌گویی، من می‌دانم، اما با ما امشد. پایین چه به...

1. تهجی، ایفای، س. ۳۲. توجه و شرح فیلی اسلام.
2. اسفهانی، مقاله‌الطلابی، ص ۹۶ مجله، ج ۲۴، ص ۳۴۰، خوارزمی، مقاله الحسنی، ج ۸، ص ۲۰۰.
3. همان، ص ۲۵۳.
122
فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال 4، زمستان 1392، شماره 13

نام: مقاله

عنوان: تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

ناشر: فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

محل نشر: تهران

تاریخ نشر: 1392

تعداد صفحات: 122

1. همان، ص. 224.
2. البلاذری، اسناب الأطراف، ج. 1، ص. 158.
3. همان، ص. 165: مقدمات، ج. 1، ص. 42: دوالدی، مقدمات، ج. 1، ص. 223.
4. البلاذری، تاریخ الرسل والملوك، ج. 1، ص. 332: مجlesi، بحار الادیه، ج. 1، ص. 19.
بررسی نقده‌ی راه حکومت امپراتوری بر دشمن‌شناسی علی‌رغم اجتماعی را با تدارک برنامه‌ای گسترش داده، از آن خود نمونه‌ای آمده. جنگ عراق که پیشرفت اروگذه نظام منطقه‌ای شامه بود و بعضاً مناطق زراعی و حاضرین از قدرت اقتصادی قابل توجهی برخوردار بود، پس از مرگ معاونه درصد برآمد تا قطب حکومت اسلامی گردد. 

از این رو، کوهانی اباعبدالله را به جمع هوش دوست کردند و گفتند: "خداوند را سیاسه که دشمن ستمگر تو را نابود کرد. همان کسی که در این امر فتح را کرد و امرش را به چنگ اورد. خراج را غصب کرد و بدون رضایت خلق بر آنان حکومت نمود، او برگزیدن جامعه ای که رضایت سرلی مرا در مورد را باچ نهاد و بیت مالی را در گرده همراهی قرار داد. پس این یک ماجرا که قوم نشور دور گشته. بدان که ما پیشاوی نداریم. پس به ما روزی کن. شاید خداوند بهرهاسته نتو ما را بر حق خود گردد." 

شاید حکمت اشراف کوهف و مردم در دو جهت برآورده دو کس سیاسه‌دو زمان مورد خصوص قرار داده و قرار دارد. از آن این است که با دریافت نامه‌هایان و ایلیژر فرستادگانان به حضور، سوی شما روز کردم. شما خاطرشان ساخته که امامی نداریم، شاید خداوند ما را بهواسطه تو بر هدایت گردد. اگر بر گفتار خود پاپرحا هستید، اینک‌ی من نزد شماها، اگر عهد و ملت‌مطمنه به من سازید، به هر شما می‌ایم و اگر مجبور گشتی، نباید خود حالی‌که از آن سوی شما، امي‌گردد." 

پس خضشت با امکان فرصت میان دو نیاز ظهور و عصر، بار دیگر به مردم روی کرده و فرومود: "ای مردم! اگر توان پیشه کنید و اهل حق را پیشانید، راستی به رضای خدا، بدین‌که ما اهل يست نبود، در محصول ویژه شما از این مدعیان ستمگر سزاوارترمی. لقیه اگر شامی نبستید و به حق ما اگاهی تدارید و نظرتان هن آن است که نوشید و فرحسید، من منصف را می‌خواهم." 

هرچند سیاسه‌ساده در آن سخنرانی، با رعایت ویژگی‌های ذیل و به‌دور از شاهنه‌های سیاسی، معلوم قرار دارد که مردم کوهف و اشراف و برگزانتیان همسود و در یک به جهت قرار داشته، کاربرد آوره و داخلسال به‌نوازش رسیده، که اقدام عمومی می‌کند و ضریب جمع در خطاب حضور را در اختیار نشان می‌دهد. (این‌ها اگر اما معدودی از الله عز و جل و مالک ... این ناسیان تنها یا) 2. بیان دعوت عمومی آزاد شده به ضرورت حضور اجتماعی مردم بر گرد ولایت حق است. (البته م ... 

1. المهمان، تاریخ نزدیک‌سازی شیعه تیره لهی و سیاسی، ص 31. 2. البان‌تر، نبات‌القرآن، ص 3. ص 157. 3. البان‌تر، نبات‌القرآن، ج 3. ص 132. 4. خزاینی، نقل الحسن، ج 1. ص 420. 5. سید هاشمی نژاد، نگاه‌بین، ب، ج 2. ص 64 مجله، پسران‌الانسان، ج 44. ص 375. 6. میرباقر، تاریخ الرسول والمبعث، ج 7. ص 395.
آتک حی انتی کتیک و قدمتی علی رسلکی آن اقدام علینا. فانه له نا تمام. لعل الله حقیقا بک علی اقی. 
فان کتین علی ذکی قد جنکم. 

۳. بیان (ابنها ماعری ماله عزوج و ایلیم) تریج زده چیز عارض حضرت محضری ویست. 
۴. ذکر مؤکد ضریب متکلم وحذه (ی) وجمع حاضر (کیم) در عبارات (ابن) آتک حی انتی کتیکم 
و قدمتی علی رسلکی آن اقدام علینا) به مانند زنودن گمین سهم سهو عمومی و غفلت مرموده و مشیع به 
فاروانی میهمان ویست. 
۵. بیان (فانک کان تنقا و تعرقی لحصه) مشیر به صورت پرورهگا و خداریش در والیت 
حق عیان. 
۶. عوامل محرومیت از وجود رلایت حق عیانیزه: ناخشنودی جمعیت مشخص (به قرنیه ورود 
نهم پس از حرف شیر) به الاطلاعات غرق حکم بر حق؛ تیزی عقیده حسی در صورت وجود 
مدرک و دست خط و شاهدان؛ بیا ولایت حق تحملی نیست. (وران انت مهربن ورهمت حضا ویکان 
رایک منا ملکیت کتیکم و گردید به علی رسلکی انصرفت (عونم). 

الن عیوم مردم که خورا مخاطب احذی غیر از امپای تپمیدن، خوشیش رنا به مصلحیت
ایستن سیرته بودن. ازین و نیدهنداه‌ها با منطق اشراف و بزرگان جامعه ب آنن سخن گفت و 
فرمود: یک درباره سخنان من ترکد دارید. ابی شک دارید که منقز زاد پیامرس شما؟ سوگنب به 
خدا در سرای عالم فرزندزاده رسول الله ﷺ و پیامرس شا منها منهی. مرا اگاه سازی. ابی در برابر 
کشتهای ما یکیشی؟ با ماایا از شما تابود ساخته یا مقاصد بر من ایست؟ پس صدا زد: ای شبیا 
ای حجارا ای قیسه؟ ای زیبی بن حارث! ابیا به من نوشینه که میوه‌ها رستیه و مزارع مرسینی شدی و 
انبارها بر گشته. بر یکن عراق که رایت ایمده ده. قدم رنجه کن؟ 

این سخنان در خطاب به اشراف و بزرگان کوته. شامل نکات حقوق شهریانی است که بهترتیب 

اولویت دیل بین کردی:

۱. معروفی حضرت و خاتونه و انتساب به حضرت خمتی مرتبت (که مقدم مطامب تبرئه از 
جرام فردي و اجتماعی قرار می‌گیرد (فان کتین در شک از ها قری. اشتشون ایب نین نیکم؟ 
فرالله ماین المشرق ولاغرب ابی نین نی غربی متکلم ولان غیرکم. ابی ایب نین نیکم خاصه) 
۲. استیحضی به منظور نفهمه اینه و جرایمی که حکم قضاسی با منفی را درمورد مجرب نامث 
می‌کند (اخری‌های انطلوقی بیش متکلم قلیم؟ ار مال استقلام؟ اب بیچاره من جرهای؟ 
۳. وجود دسته‌نوس و ماردک و شاهد بن درخواست رسمی پرای اجرای حضر کم‌ام (یم. ام تکیدی ای 

... اما اقدام علی چندین چنچی)
بررسی نقشه راه حکومت امپریانت با کیهان دشمنیسنی علیوی

هرچند قیس بن اسحاق تخستگان اولویت را مخدوش جلوه داد و گفت: آیا به حکم فرزندزاده عمومیت سر فرد نمایوری؟ اما سیالاندها، با قیاسی متعادل پاسخ دادند. دربرداشت او فرد هستی، آیا بنی هاشم باید پیش از خون ریخته علمی بن عقیل از تو مطالعه کند و جدیت ای را بر تو شمرد؟

با این ترتیب جماعت با اهدافی که داشتند و تمايلاتی که در سر می‌بروندند، آماده پذیرفتن امپریانت شدند و شهره‌شان افزایی حکومت شام گرددند و وقایع از ولایت پیش‌وا تمعن، بر سر حکومت، تا از دو مردمان اصلی، از حرم امین الی جلوه‌ی کنند. اما پیاران سیدالله‌ها، مقامات کردند. نظامیان حکومت راه به جایی نبردند و او بر آوردند و امام را به ترفه‌انگیز مثبت کردند و حضرت در مقابل با ذکر بخشی از آیه 41 سورة بیونس، ماهیت کارشنار را بردا نمود: یک عملی و کلمه عاملی، این بریتین ما اعمال واس بری ما تعلیری.

پایان دادن به اسلام محمدی

نقشه راه حکومت امپریانت دربی، هدف‌گر فرتن سیدالله‌ها و فاجعه‌ای در عاشورا، نه تنها برانگیزه حذف پیش‌وا مصفوم را ارائه کرد، بلکه با تخته‌شان خاندان بیوت، درصد پیانی دادن به اسلام محمدی و رومایی «سلام امیری» برآمد. از این و عیدالله در خطاب به زینب، کبری، بدون برآورد توانایی دختر برای ایب طالب، گفت: «خدا را سباهی که سارا را فردا کرد و به قلب رسیدی و سخنمن و گرفت با نشان ان در یافتن الویه داشت که فرمان: خدا در سباهی که ما با وجود محمد غلام داشت و پاک، و طاهر نمود. نه چنان است که می‌گویی فقط، فاسق رسوا شد و تهگرد تکذیب می‌گردید و اکنون ایسته.»

پایان ترتیب «سلام امیری» همان فلکه هولنداش که مولای متقیان بپیشینری فرود: «اسفه

باشید ند من هولنداش تن به تنی به شما فتفه بنی‌امیه است. پس آن فتفهای کور و تاریکی است...

1. همان، ص 376.
2. همان، ص 371 خوارزمی، سطح الضریب، ج ۲، ص ۴۲، مجله بحرالعلوم، ج 45، ص ۱۱۵.
نتیجه

انتصاب حکومتی از دیدار روسی مقول و مقبول برای دخالت انتخابی گرفته قدرت و اعمال آن بوده که در صدر اسلام برای معاونی بین ابویسیان محقق گردد و او به روش قانونی وارد چرخه قدرت شد. از آن پس، وی درصد برآمد تا موقتی خود را از کارگزار حکومتی ارتقا دهد و شخص اول جهان اسلام گردید. در همین راستا، با تدارک نقشه راه تکنیک ها و اهداف مبانیت، درازمدت حکومتی را تعیین نمود و در فرض عقیدت‌شنی روای سیاسی امام محتاجی از آن نقشه به پردازی کردند و پس از خود برای خلف ناسازان پرچم‌های نطقی راه را حکومت امومی دری انتصاب بی‌بیم منعیت به ولایتهای ورق خورود و یا تصالح حاکمیت اسلامی، مشروط بروز حکومتی را از آن خود ساخت و سپس پذیرفتمان را در اختیار مرکز حکومت و شخص بی‌بیم منعیت بروز داد تا وی طومار اسلام محصوری را درهم بیچرخاند. از همین‌ها به‌هفته قرار گرفتن سیدالشهدا سیاست بی‌پایانی از پیش‌وازی مصوص نروییتی کرده، تا مقدمات روندین اسلام امومی فراهم اید و نسل به نسل در امت اسلامی باقی ماند.

منابع و مآخذ

1. ابن‌آثر، عزیز‌الدین ابوالحسن، الكامل فی التاريخ، بروت، دار الصدر، 1965 م.
2. ابن‌جوزی، ابوالفیرج، ترجمه علی‌ها ذکایی فراغلول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1341 ق.
3. ابن خلدون، عبدالرحمن، العیر، ترجمه محمد پروین گنبایی، تهران باغه ترجمه و نشر کتاب، ج 1، 1339 ق.
4. ابن‌شهرآوی، ابووجفر رشید‌الدین محمد، منانف آن یا طلاب قلم، علامه، یی. تا.
5. ابن‌کثیر، ابوالفیرج، اساسیات بن عمر، الهیه والهدیه و پیروت، دارالفکر، 1386 م.
6. اصفهانی، ابوالفارج، مفاتیح الطالبان، شرح و تحقیق احمد صفر، قاهره، دار احياء الكتب العربية، 1449 م.

1. هدیه بی‌پایان، خطبه ۹۲ ترجمه و شرح فیض‌الاسلام.
17. امام حسن، سید روح‌الله وصیت‌نامه تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج، 1، 1388.
18. دکتر خسروی، تاریخ اسلام ولیعصر، پیروت، مؤسسه اسلامی للطباعه، ج، 1، 2005.
19. سید حسن مؤسس، باپور، بررسی حقوق‌الله وصیت‌نامه، تهران، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج، 1، 1385.
20. الدنبوری، احمد بن داوود، خبرات الطوال، تهران، تهران، تهران، ج، 4، 1369.
21. روابط محلاتی، مه‌آذین، زندگانی امام مسیحی میگین، شیراز، انتشارات، قم، ج، 1، 1383.
22. شهرستانی، مه‌آذین، مطهری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، تهران، ج، 1، 1390.
23. محمد بن جعفر مرثیه، تاریخ، تهران، تهران، ج، 1385.
24. امامحسین، عباس، عباسی، امامحسین، مشهد، مشهد، تهران، تهران، ج، 1375.
25. فیض‌الاسلام، علی‌باقر، تاریخ و شرح، تهران، تهران، انتشارات، مشهد، مشهد، تهران، تهران، ج، 1377.
26. محمدحسین، بحرالعلوم، بررسی راکدی امام خمینی، تهران، تهران، انتشارات، ط، 3، 1403.
27. سعیدی، ابوالحسن بن الحسن، مرگ‌الله، تحقیق محمد حیان‌الدین عبدالمجدی، مصر، السعادة، ط، 4، 1364.
28. سید حسن مؤسس، باپور، بررسی حقوق‌الله وصیت‌نامه، تهران، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج، 1، 1385.
29. فیض‌الاسلام، علی‌باقر، تاریخ و شرح، تهران، تهران، انتشارات، مشهد، مشهد، تهران، تهران، ج، 1377.
30. محمدحسین، بحرالعلوم، بررسی راکدی امام خمینی، تهران، تهران، انتشارات، ط، 3، 1403.
31. سعیدی، ابوالحسن بن الحسن، مرگ‌الله، تحقیق محمد حیان‌الدین عبدالمجدی، مصر، السعادة، ط، 4، 1364.
32. سید حسن مؤسس، باپور، بررسی حقوق‌الله وصیت‌نامه، تهران، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج، 1، 1385.
33. فیض‌الاسلام، علی‌باقر، تاریخ و شرح، تهران، تهران، انتشارات، مشهد، مشهد، تهران، تهران، ج، 1377.